

■ Recognition of a Monument Called Sharbatkhāneh in Afushteh, based on the Deed of Endowment of Seyyed-i Waqif's Properties

Naghmeh Assadi Chimeh

Msc, Faculty of Architecture and Urban Design, Art University of Isfahan

Niloufar Malek, PhD

Faculty of Architecture and Urban Design, Art University of Isfahan

Hamidreza Jayhani, PhD (corresponding author)

Faculty of Art and Architecture, University of Kashan

Stories narrated by ordinary people for some architectural works can be considered as a source for recognizing them. Still, in some cases, these beliefs and myths are so accepted by researchers without any doubt or challenge. An example of this belief is the story narrated by the people of Afushteh, according to which a decorated pavilion shaped monument is called *Sharbatkhāneh*. The name *Sharbatkhāneh*, which seems to be derived from a narration about Taj al-Din Hassan-i Hosseini or Seyyed-i Waqif, is so well established that being invalid never comes to mind. However, a review of the only available document from the buildings of Seyyed Hassan-i Waqif in Afushteh, that is, the deed of endowment of this building, shows that this name is not very documented; In other words, there is no such name in the deed of the endowment. In the same document, another building called *Chāhārsoffe* and *Ṭanabī* is introduced. In recent years, a study of documents and structures in Afushteh by Hossein Azam-i Wāqifi has suggested that the *Chāhārsoffe* and *Sharbatkhāneh* buildings were the same without a thorough examination of the reasons. The primary purpose of this study is to clarify how accurate and provable such a hypothesis is. However, proving this assumption does not determine whether the building is *Sharbatkhāneh* or not, because *Chāhārsoffe* refers to it architecturally and *Sharbatkhāneh* mentions its function. So the next goal is to find the function of the building, first by validating the name *Sharbatkhāneh* for this structure and then by examining the names that have been applied to it in other sources. The current research tries to study the historical documents as well as the physical aspects of the building by the aid of the historical interpretive method. The result of this study first confirms the conformity of the *Chāhārsoffe* and *Sharbatkhāneh*, and secondly chooses the name Timurid *Chāhārsoffe* instead of the use of names derived from unknown and invalid functions.

Keywords: *Sharbatkhāneh*, Timurid Afushteh, *Chāhārsoffe*, *Ṭanabī*, Deed of the endowment.

بازخوانی بنای موسوم به شربت‌خانه افوشته

براساس وقفنامه موقوفات سید واقف^۱

نغمه اسدی چیمه^۲

نیلوفر ملک^۳

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

حمیدرضا جیحانی^۴

استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

کلیدواژگان: شربت‌خانه، افوشته، چهارصفه، طنبی، وقف‌نامه.

چکیده

روایات و داستان‌هایی که از سوی عوام برای برخی آثار معماری نقل می‌شود، می‌تواند منبعی برای شناخت یک اثر باشد. ولی در مواردی این باورها و افسانه‌ها چنان نزد پژوهشگران پذیرفته می‌شود که، بدون تشکیک و به چالش کشیدن، آن‌ها را پیش‌فرض پژوهش خود در نظر و به کار می‌گیرند. نمونه‌ای از این باورها که به کتب و مقالات نیز راه یافته است، روایاتی است که اهالی افوشته درباره بنایی در این روستا نقل کرده‌اند و بر اساس آن، بنا را «شربت‌خانه» می‌دانند. نام «شربت‌خانه» که به نظر می‌رسد برگرفته از روایتی درباره تاج‌الدین حسن حسینی یا سید واقف باشد، چنان بر این بنا نشسته است که هرگز فرض معتبر نبودن آن به ذهن متبادر نمی‌شود؛ اما با مرور تنها سند موجود از بناهای سیدحسن واقف در افوشته، یعنی وقف‌نامه این بناها، درمی‌یابیم که این نام چندان مستند نیست؛ به بیان دیگر، چنین نامی در وقف‌نامه وجود ندارد. در همین سند بنای دیگری به نام چهارصفه و طنبی معرفی شده است. در سال‌های

اخیر، طی مطالعه‌ای درباره اسناد و بناهای افوشته توسط حسین اعظم‌واقفی، فرض یکی بودن این «چهارصفه» و «شربت‌خانه» بدون بررسی دقیق دلایل مطرح شده است. هدف اول در این پژوهش روشن کردن میزان درستی و قابل اثبات بودن چنین فرضی است. هرچند از آنجاکه «چهارصفه» به صورت معماری و «شربت‌خانه» به کارکرد آن اشاره دارد، اثبات این فرض، «شربت‌خانه» بودن یا نبودن بنا را مشخص نمی‌کند. بنابراین هدف بعدی یافتن کارکرد بناست، نخست از طریق اعتبارسنجی نام «شربت‌خانه» برای این بنا و سپس از طریق بررسی نام‌هایی که در منابع دیگر به آن اطلاق شده است. حاصل این پژوهش که از راه مطالعه سند و کالبد و تفسیر یافته‌ها و با استفاده از روش تفسیری تاریخی صورت گرفته است، اول تأیید انطباق «چهارصفه» بر «شربت‌خانه» و دوم برگزیدن نام «چهارصفه تیموری» به جای به کار بردن نام‌های برگرفته از کارکردهای مجهول و نامعتبر است.

مقدمه

باورهای عامیانه و روایات محلی درباره نام، کارکرد، و پیشینه بناها همواره در شکل‌گیری تصورات سایرین از بنا اثر گذارده است. در برخی



۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است که با عنوان *بازشناسی مجموعه افوشته با تکیه بر وقف‌نامه و یا شواهد باقی‌مانده*، با راهنمایی علمی نگارندگان دوم و سوم در شهریورماه ۱۳۹۷ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است.

۲. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان
n.asadich@gmail.com

3. n.malek@aui.ac.ir

۴. نویسنده مسئول
Jayhani@kashanu.ac.ir

پرسش‌های تحقیق

۱. بر اساس وقف‌نامه موقوفات سیدحسن واقف، چه ویژگی‌های کالبدی و کارکردی را می‌توان برای شربت‌خانه متصور شد؟
۲. عنوان «شربت‌خانه» چه اندازه برای بنای موجود در افوشته اعتبار دارد؟
۳. چه ارتباطی میان بنای «شربت‌خانه» و «چهارصفه»ی مذکور در وقف‌نامه وجود دارد؟

موارد، این باورها، بدون اعتبارسنجی و ریشه‌یابی، دست‌مایه پژوهش‌هایی نیز بوده و به مجامع علمی راه یافته‌اند، بدون آنکه در درستی یا نادرستی آن‌ها تردیدی ایجاد شود. پذیرفتن این باورها و به کار بستن آن‌ها در پژوهش‌های متعدد، با فرض صحت، علاوه بر آنکه به اشاعه امری بی‌اساس با وجهه‌ای علمی می‌انجامد، ضرورت تدقیق را نیز کم‌رنگ و یا نفی می‌کند. به طوری که کمتر کسی فرضیه نادرستی مطلب را مطرح می‌کند و درصدد ریشه‌یابی موضوع برمی‌آید. نمونه این باورها در نوشته‌های علمی و پژوهش‌های تاریخ معماری بسیار است و یکی از آن‌ها باورهایی است که درباره مجموعه‌ای از ابنیه در روستای افوشته، واقع در جنوب شرقی نطنز، وجود دارد.

در این روستا مجموعه‌ای از بناهای مربوط به سده نهم هجری را می‌توان یافت که توسط تاج‌الدین حسن حسینی مشهور به سید واقف شکل گرفته و وقف شده‌اند. در این مجموعه گونه‌های متنوعی از ابنیه وجود دارد. از جمله بنای دو بقعه، مسجد جامع، حسینیه، آب‌انبار، حمام، سردر بنایی به نام دارالسیاده، محلی مشهور به سورگاه، و بنایی موسوم به «شربت‌خانه». همچنین از این مجموعه یک سند کتبی، به نام وقف‌نامه موقوفات سیدحسن واقف نیز در دست است که شرحی مختصر از ابنیه افوشته را در بر دارد و سندی دست اول برای شناخت مجموعه به حساب می‌آید.

بازخوانی این سند و تطبیق آن با وضع موجود دو مورد را روشن می‌کند: نخست آنکه کالبد مجموعه در طول سده‌ها دستخوش تغییراتی شده است. نکته دوم که موضوع این پژوهش نیز هست، آن است که نام‌های به‌کاررفته در سند برای معرفی اجزای مجموعه و بناها، نام‌هایی نیست که امروز برای معرفی بناهای آن به کار می‌رود. به طور مثال نام «شربت‌خانه» که بر بنایی در افوشته نهاده شده است، به تنها سند تاریخی موجود از مجموعه یعنی وقف‌نامه قابل‌استناد نیست و واژه «شربت‌خانه» در این سند وجود ندارد. حسین اعظم‌واقفی که وقف‌نامه را تصحیح و بازنویسی کرده و مطالب این سند را برای شرح ابنیه به کار گرفته، معتقد است که بنای «شربت‌خانه» همان بنای «چهارصفه»ای است که در وقف‌نامه نوشته شده است؛^۵ هرچند دلایل وی برای یکی دانستن این دو روشن نیست، او اولین فردی است که چنین فرضی را مطرح کرده است. مسئله اول این پژوهش آن است که چنین فرضی چه اندازه می‌تواند صحیح باشد. در صورت صحت این فرض، مسئله بعدی بررسی

۵. حسین اعظم‌واقفی، میراث فرهنگی نطنز، ص ۷۳.

تکرار نظرات همین نویسندگان است.^{۱۲} دسته دوم نوشته‌هایی است که در آن‌ها با نیم‌نگاهی به وقف‌نامه و ذکر دلایلی مختصر، فرض یکی بودن «شربت‌خانه» و «چهارصفه» مطرح شده است. نوشته‌های حسین اعظم‌واقفی در این دسته می‌گنجد. دسته سوم شامل پژوهش‌هایی است که بدون تدقیق و ریشه‌یابی و با فرض «شربت‌خانه» بودن این بنا، بدان پرداخته‌اند. برای نمونه آرزو حسینی در مقاله‌ای، با فرض آنکه بنای موجود در افوشته یک شربت‌خانه است و بدون بررسی درستی یا نادرستی این نام، بنا را در زمره شربت‌خانه‌های مردمی قرار داده است.^{۱۳}

در پژوهش حاضر، به منظور سنجش میزان اعتبار و روایی نام‌های منتسب به «شربت‌خانه»، متن وقف‌نامه به دقت مطالعه و اطلاعات آن استخراج و شواهد کالبدی از طریق مطالعه میدانی گردآوری شده است. سپس از ابزار تفسیر برای برقراری ارتباط میان یافته‌های متنی با یافته‌های میدانی استفاده گردیده است. از آنجاکه وقف‌نامه باید در سیاق خود مطالعه شود تا صحیح‌ترین برداشت از آن به دست آید، به هنگام تفسیر از متون هم‌دوره با وقف‌نامه همچون تاریخ جدید یزد کمک گرفته شده است تا نتایج دارای اعتبار باشد. این مقاله در سه بخش تدوین شده است. بخش اول معرفی روستای افوشته به منزله بستر بناست و در ذیل آن گزارشی از وضعیت موجود بنای موسوم به «شربت‌خانه» و معماری آن عرضه می‌شود. بخش دوم شامل معرفی تنها سند در دسترس از این مجموعه است. لزوم تخصیص دو بخش از مقاله به این مطالب، اول گمنام بودن افوشته و ناشناختگی بناهای آن و دوم ناشناختگی سندی است که منبع این پژوهش به حساب می‌آید. به بیان دیگر این دو بخش، مقدمه را برای ورود به بخش سوم، که اصلی‌ترین بخش مقاله نیز هست و به تفسیر و تطبیق یافته‌ها اختصاص دارد، فراهم می‌کند.

کارکرد بنا در سده نهم است؛ چراکه واژه «چهارصفه» نماینده کالبد و شکل بنا و نام «شربت‌خانه» نماینده کارکرد آن است. بنابراین باید روشن شود که منشأ اطلاق «شربت‌خانه» به این بنا چیست و چه میزان این نام برای این بنا اعتبار دارد. از طرفی مرور منابع روشن می‌کند که حتی برخی دانشوران و نویسندگان این بنا را «شربت‌خانه» نیز ندانسته‌اند و کارکردهای دیگر و در نتیجه اسامی دیگری برای آن برگزیده و به کار برده‌اند. بنابراین هدف از این پژوهش نخست تدقیق در وقف‌نامه برای تطبیق بنای موسوم به «شربت‌خانه» و «چهارصفه»ی مذکور در سند و در وهله بعدی تلاش برای دریافتن کارکرد اصلی این بنا در سده نهم با اتکا به وقف‌نامه و بررسی منابع با دیدی نقادانه است.

در مرور پیشینه این موضوع، سه دسته کلی از نوشتار دیده می‌شود. دسته اول نوشتاری است که، ضمن بررسی بنای مورد نظر، برای آن نامی به جز «شربت‌خانه» و «چهارصفه» در نظر گرفته‌اند. وقف‌نامه تاج‌الدین حسن حسینی اولین بار در سال ۱۳۷۹ توسط سیدحسین اعظم‌واقفی^۶ و سپس در سال ۱۳۸۸ توسط عمادالدین شیخ‌الحکامی^۷ تصحیح شده و به چاپ رسیده است.^۸ بنابراین بررسی‌های صورت گرفته در مجموعه پیش از زمان انتشار وقف‌نامه، بدون در نظر گرفتن این سند است و در دسته اول می‌گنجد. اولین بررسی مجموعه بناهای افوشته در سال ۱۳۴۵ ش/ ۱۹۶۶ م توسط هیئت ایزمئو انجام گرفته است. در گزارش این گروه ضمن بررسی کالبدی، بنای «شربت‌خانه» با استناد به گفته‌های افراد محلی، با نام «خانقاه» معرفی شده است.^۹ حسن نراقی نیز در کتاب آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز که در سال ۱۳۴۸ منتشر شده است، «شربت‌خانه» را «خانقاه سید واقف» دانسته است. لیزا گلمبک^{۱۰} و دونالد ویلبر^{۱۱} هم در کتاب معماری تیموری در ایران و توران آرای گروه ایزمئو و حسن نراقی را برای بنای «شربت‌خانه» تکرار کرده‌اند. سخن درباره «شربت‌خانه» در منابعی چون دانش‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها نیز مطالب کلی و

۶. همان، ص ۱۳۵.

۷. عمادالدین شیخ‌الحکامی، اسناد

معماری ایران، ص ۳۶.

۸. دو نسخه تصحیح شده وقف‌نامه

تفاوتی با یکدیگر ندارند. در این مقاله

به هنگام نقل مطالب از وقف‌نامه،

به نسخه قدیمی‌تر یعنی تصحیح

اعظم‌واقفی ارجاع داده می‌شود.

9. ISMEO, *Monuments Historiques d'Afouchte, de Natanz et de Tajabad*, p. 6.

10. Lisa Golombek

11. Donald Wilber

۱۲. نک: کاظم ملازاده، دایرةالمعارف

بناهای دوره اسلامی/ مدارس و

بناهای مذهبی.

۱۳. آرزو حسینی، «شربت و

شربت‌خانه در گذر زمان».

۱. افوشته

افوشته، که در حال حاضر بخشی از شهر نطنز است، در گذشته روستایی در حاشیه جنوب شرقی این شهر بوده و سپس به دنبال توسعه‌های بعدی شهر بدان پیوسته است. اولین منبعی که ماهیت این منطقه را مشخص می‌کند، وقف‌نامه موقوفات سیدحسن واقف است که در آن افوشته به صورت «قریه طیبیه افوشته از قرای مدینه نطنز از توابع دارالامان اصفهان»^{۱۴} معرفی شده است. بنابراین در سده نهم هجری افوشته روستایی بوده که از سوی کاتب وقف‌نامه با صفت «طیبیه» معرفی شده است. شیوه معرفی موقعیت روستای افوشته در وقف‌نامه نشان می‌دهد که در سده‌های گذشته نیز همچون امروز درک موقعیت این روستا و شناخت آن در گرو دانستن موقعیت شهر نطنز بوده است.

شهرستان نطنز، واقع در شمال استان اصفهان و در میان کوهستان کرکس و کویر بادرود، خرداقلمی است که با مناطق

اطراف خود همچون کاشان، بادرود، اردستان، برخوار، و میمه از حیث اقلیم تفاوت‌های آشکار دارد. رودخانه‌های منشعب از کوهستان کرکس در غرب شهرستان نطنز، که به سمت کویر بادرود در شرق آن سرازیر می‌شوند، علاوه بر سیراب کردن شهر و ایفای نقش مؤثر در آبادانی آن، مسیر پیدایش محلات و روستاهایی نیز هستند. به طوری که در مسیر رودخانه عبوری از جنوب شرقی نطنز روستاهایی چون افوشته، سرشک، ریسه، کندز، جاریان، و خفر شکل گرفته‌اند.

در میان این روستاها افوشته، به دلیل دربرداشتن مجموعه‌ای از بناها و همچنین سندی که به سده نهم هجری تعلق دارد، یکی از مهم‌ترین نقاط حاشیه نطنز است. موقوفات سیدحسن واقف در افوشته بر شهرت آن افزوده و موجب توجه به این روستا شده است. بقعه سیدحسن واقف و بقعه میرسید، به دلیل قرارگیری بر نقاط مرتفع افوشته، اولین نشانه‌هایی هستند که نظر رهگذران را به سمت این بخش از شهر جلب می‌کنند.



۱۴. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۳۷.

ت ۱. پلان بناهای مجموعه افوشته؛ طرح و ترسیم: نغمه اسدی، براساس نقشه‌های موجود در پرونده ثبت آثار و نقشه پایه شهرداری نطنز.

که هنوز می‌توان شربت‌خانه را در زمره آثار ارزشمند بازمانده از سده نهم هجری دانست. در چهار وجه پیرامونی این بنا چهار ایوان و در چهار گوشه آن چهار اتاق کوچک دیده می‌شود (ت ۲)؛ به طوری که همه این فضاها در کنار هم یک فضای چهارگوش میانی را در بر گرفته‌اند. چهار ایوان چهارگوش با طاق رومی در چهار جبهه بناست که یکی از آن‌ها، که به نظر می‌رسد ایوان ورودی باشد، تخریب شده است (ت ۲: ۱). در انتهای هر ایوان دری چوبی است که آن را با فضای میانی مرتبط می‌کند. در ازاره ایوان‌ها بقایایی از کاشی‌های شش‌بر و سه‌گوش دیده می‌شود که بخش عمده‌ای از آن‌ها از بین رفته و از رد به‌جامانده از کاشی‌ها می‌توان هندسه آن‌ها را دریافت. باقی جداره‌های ایوان نیز پوشیده از اندود گچ است و تزیینات ویژه‌ای ندارد.

از چهار گوشواره بنا، یکی تخریب شده، یکی قابل‌بازدید، و دوتای دیگر مسدود است. این گوشواره‌ها دارای دو در به طرف باغ بوده‌اند و تنها یکی از آن‌ها یک دسترسی نیز به سمت ایوان دارد. درون یکی از این گوشواره‌ها که سالم و قابل‌بازدید است، بقایای تزیینات دیده می‌شود (ت ۲: ۴). در حاشیه ازاره‌های

علاوه بر این دو بنا، مسجد جامع، حسینیه، حمام، سردر خانقاه، و شربت‌خانه افوشته مهم‌ترین آثار به‌جامانده در این مجموعه هستند که موقعیت آن‌ها در «ت ۱» مشخص شده است.

۲. شربت‌خانه افوشته

همان‌طور که در «ت ۱» مشخص است، بنای موسوم به شربت‌خانه که به باور اهالی افوشته محل تهیه و توزیع شربت توسط سیدحسن واقف در مراسم مذهبی و حین تبلیغ تشیع بوده است، در باغی در مجاورت بنای حمام افوشته قرار گرفته است.

۱. ۲. وضع موجود شربت‌خانه

در ساختار بنای شربت‌خانه، که از حیث شکل کلی تداعی‌کننده کوشک‌های صفوی است، یک فضای میانی و تعدادی فضای جنبی دیده می‌شود. اگرچه کالبد شربت‌خانه افوشته در اثر گذر زمان و بی‌توجهی به آن متحمل آسیب‌ها و تغییرات فراوانی شده است، هندسه و طرح فضاهای بازمانده همچون فضای میانی، ایوان‌ها، و گوشواره‌ها و تزیینات غنی این فضاها نشان می‌دهد

ت ۲. فضاها و جبهه‌های مختلف شربت‌خانه؛ مأخذ: ISMEO, Monuments Historiques d'Afouchte, de Natanz et de Tajabad. کنترل و ترسیم مجدد نقشه، و عکس‌ها: ن. اسدی.



در سطحی بالاتر از ازاره، بر روی ملات گچی دیوار نقوش گیاهی برجسته تکرار می‌شود. گوشه‌سازی بنا نیز در نوع خود منحصر به فرد است. در گوشه‌های بنا مقرنس‌های آویز و گچ‌بری‌های برجسته، که تنگ‌بری‌های عمارت عالی‌قاپو را تداعی می‌کنند، سطح چهارگوش بنا را برای قرار گرفتن پوشش سقف آماده کرده‌اند (ت ۳).

۲.۲. زمان و بانی ساخت شربت‌خانه

در حال حاضر بر بدنه بنا و در میان تزیینات فضای داخلی آن اثری از کتیبه و یا شاهدی مبنی بر تاریخ ساخت و کارکرد بنا دیده نمی‌شود. جداره‌های خارجی بنا نیز پوشیده از آجر است و در بخش‌هایی از آن، همچون ازاره‌ها، لچکی ایوان‌ها، و پشت‌بغل قوس روزن‌ها، قطعاتی از کاشی معرق دیده می‌شود که طرح‌هایی از گره‌ها و نقوشی از گل و بته دارند (ت ۴). اعظم‌واقفی قطعه کتیبه‌ای را، که در حال حاضر در هشتی حمام افروخته نصب شده، متعلق به بنای شربت‌خانه می‌داند و معتقد است که، پیش از این، کتیبه در محل ورودی آن نصب بوده است^{۱۵} (ت ۵). شباهت و اشتراک رنگ زمینه کاشی کتیبه و نقوش روی آن با کاشی‌های به‌جامانده در بدنه شربت‌خانه می‌تواند تأییدی بر گفته وی باشد. از جمله خطوط تزیینی دایره‌ای مارپیچی فیروزه‌ای‌رنگ در زمینه کتیبه و لچکی‌های ایوان‌ها نشان می‌دهد که کتیبه با لچکی‌ها قرابت دارد و می‌بایست به بنای شربت‌خانه تعلق داشته باشد. در این صورت با توجه به متن کتیبه، می‌توان بنا را متعلق به فردی

این فضا یک ردیف کاشی با نقش گل و بته باقی مانده و از تزیینات متن ازاره ردی بر ملات بر جای مانده است؛ این رد نشان می‌دهد که این ازاره‌ها نیز از ترکیب کاشی‌های شش‌بر و سه‌گوش پوشیده شده بوده‌اند و یک کاشی نسبتاً بزرگ با طرح گلدان نیز در میان ازاره قرار داشته است. در ردیف رفاها و پس‌نشستگی‌های بالای ازاره بقایایی از نقاشی‌هایی دیده می‌شود که طرح‌های گیاهی دارند و تالالوی رنگ طلایی آن‌ها با وجود آسیب‌دیدگی هنوز قابل‌رویت است.

فضای میانی و اصلی شربت‌خانه یک فضای چهارگوش و متقارن است. طرح و تهرنگ آن ساده و بدون پیچیدگی است، اما تزیینات در این فضا بسیار پرکار است. ازاره‌های دورتادور این فضا پوشیده از کاشی‌های یک‌دست شش‌بر با تالالویی سبزرنگ هستند که با حاشیه‌ای با طرح گل و بته احاطه شده‌اند (ت ۲؛ ۳).

۱۵. حسین اعظم‌واقفی، همان، ص ۷۲.



ت ۳ (بالا). تزیینات فضای داخلی شربت‌خانه، از راست: گوشه‌سازی فضای میانی، نقش گچی بر دیوار فضای میانی، نقوش گچ و کاشی در فضای میانی؛ عکس‌ها: ن. اسدی. ت ۴ (پایین). کاشی‌کاری پشت‌بغل روزن‌ها؛ عکس‌ها: ن. اسدی.

۱۶. کاتب در وقفنامه خود را با جمله «العبد المذنب الزاجی من الله النیل الامانی، ابوبکر بن احمد بن مسعود طهرانی، اصلح الله احواله فی الدارین» معرفی کرده است. از شرح زندگی او اطلاعات چندانی در دست نیست؛ مطابق کتاب رجال حبیب السیر ابوبکر طهرانی معاصر امیر حسن بیگ آق قویونلو (۸۸۳-۸۷۱ق) بوده ←

ت ۵. کتیبه منسوب به شربت‌خانه؛ عکس: ن. اسدی.



وظایف آنان در خانقاه و تعیین ملزومات اداره خانقاه و برگزاری مراسم در آن پرداخته است. مهم‌ترین اطلاعات قابل مشاهده در بخش مربوط به سهم اولاد نام فرزندان و نوادگان واقف است. در آخرین قسمت وقفنامه نیز مسائل مربوط به تولیت همچون نحوه تعیین متولی و میزان حق التولیه مقرر شده است. اگرچه وقفنامه موقوفات سیدحسن واقف یک سند معتبر و دست اول برای فهم اوضاع مجموعه ابنیه افوشته در سده نهم هجری است؛ ولی در این پژوهش تنها بخش مربوط به مستثنیات وقف، که به شرح چهارصفه‌های افوشته اختصاص دارد، بررسی و از سایر بخش‌ها نیز در جهت تفسیر بخش مزبور استفاده می‌شود.

به نام اسمعیل بن حسین بن حسن الحسینی دانست.

حسن حسینی همان سیدحسن واقف است و بنابراین اسمعیل فرزندزاده و نوه اوست. تاریخ مندرج در کتیبه یعنی ۸۷۶ق این گمان را ایجاد می‌کند که بنا پس از تنظیم وقفنامه در سال ۸۵۷ق در افوشته ساخته شده است. به‌ویژه آنکه در این وقفنامه اشاره‌ای به نام شربت‌خانه نیز دیده نمی‌شود. بنابراین تعلق شربت‌خانه به مجموعه مستحدثات سیدحسن واقف با تردید روبه‌روست.

۳. وقفنامه موقوفات سیدحسن واقف؛ سندی برای شناخت شربت‌خانه

وقفنامه موقوفات سیدحسن واقف در سال ۸۵۷ق به درخواست واقف، که در متن وقفنامه به صورت «تاج‌الدین حسن بن امیر شرف‌الدین حسین بن شمس‌الدین محمد افوشته‌ای» معرفی شده، توسط فردی به نام ابوبکر طهرانی^{۱۶} نگاشته شده است. این وقفنامه شامل مقدمه، مشخصات واقف، رقبات وقف، شروط وقف، مصارف موقوفات، سهم اولاد، و تولیت است. از بخش مشخصات واقف، علاوه بر معرفی و بیان برخی ویژگی‌های بارز وی، نام پدر و نیای واقف را نیز می‌توان دریافت. بخش مربوط به رقبات موقوفات حاوی اطلاعاتی از ابنیه ساخته شده و موقوفات سید واقف است و در آن پس از اشاره به موضوع وقف خانه سیدحسن واقف و اطلاق نام «خانقاه حسینی» به آن، ضمن بیان مستثنیات وقف، به آن بخش از خانه که مشمول وقف نبوده و به فرزندان واقف منتقل گشته (چهارصفه‌ها)، پرداخته شده است. بنای حمام و بقعه‌ای که واقف برای خود و فرزندان بنا کرده است نیز در همین بخش معرفی شده و سپس حدود موقوفات بیان گشته است.

در ضمن شروط وقف، واقف برای استفاده‌کنندگان از موقوفات، به‌ویژه مراجعان به خانقاه، شروطی را تعیین کرده و سپس در ذیل مصارف موقوفات به تعیین کارکنان و شرح

۱.۳. مستثنیات وقف

اولین موقوفه سیدحسن واقف، براساس وقفنامه، خانه‌ای است که او برای خود ساخته و پس از وقف آن را خانقاه حسینیه نامیده است. در متن وقفنامه به صراحت تنها آن بخش از خانه را خانقاه گفته که مشمول سنت وقف شده است؛ چراکه واقف بخش‌هایی از خانه را برای انتقال به فرزندان خود از وقف مستثنی و آن‌ها را چنین توصیف کرده است:

و وقف فرمود آن خانقاه را با بساطین متصله به آن با توابع و لواحق و مضافات؛ سوای چهارصفه‌های فوقانی و تحتانی و طنبی تحتانی و طنبی فوقانی که در چهارصفه تحتانی مفتوح الباب است واقع بر یمین داخلین در صحن خانقاه مذکور که چهارصفه

→ است (عبدالحسین نوایی، رجال حبیب السیر، ص ۲۵۱). از وی کتابی به نام دیار بکریه نیز در دست است که وقایع سده نهم هجری در آن بیان شده است. علاوه بر کتاب دیار بکریه اسناد دیگری نیز موجود ←

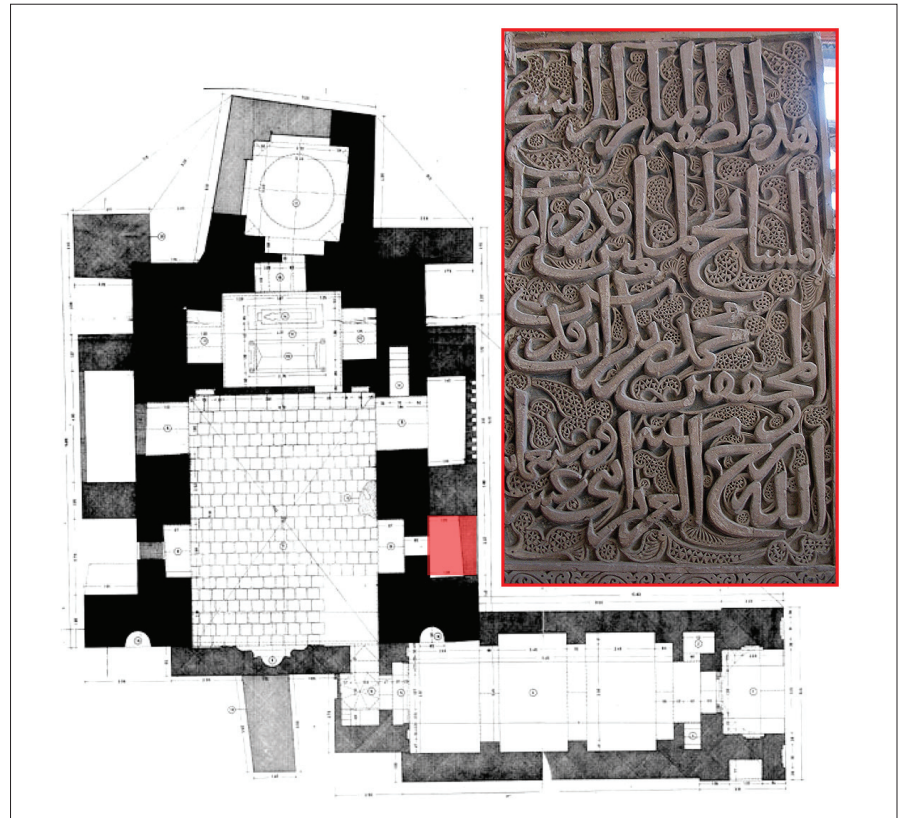
ت ۶ر جانمایی صفه در پلان بقعه پیربکران؛ مأخذ: پرونده ثبت اثر.

تحتانی و طنبی تحتانی با مطبخ دوطبقه که متصل است به همین چهارصفه از واقف مشارالیه به تملیکی شرعی انتقال یافته به ولد ارجمند او، خلف اعظم الساده، امیر شرفالدین حسین، و چهار صفه فوقانی با طنبی فوقانی رفیع البناء و ایوان‌های فوقانیه و ضامئ و چهارصفه که مطبخ آن است و ممر و مدخل، از او به سبط شریف او امیر کمال‌الدین اسماعیل ...^{۱۷}

بر این اساس واقف خانه خود را، که پس از وقف «خانقاه» نام گرفته، با باغ‌های متصل به آن و فضاهای وابسته وقف کرده است؛ به جز چهارصفه‌های فوقانی و تحتانی و طنبی تحتانی و طنبی فوقانی. تأملی در فضاهای چهارصفه و طنبی روشن می‌کند که مقصود از این دو فضا چیست و چرا واقف این فضاها را مشمول وقف نکرده است.

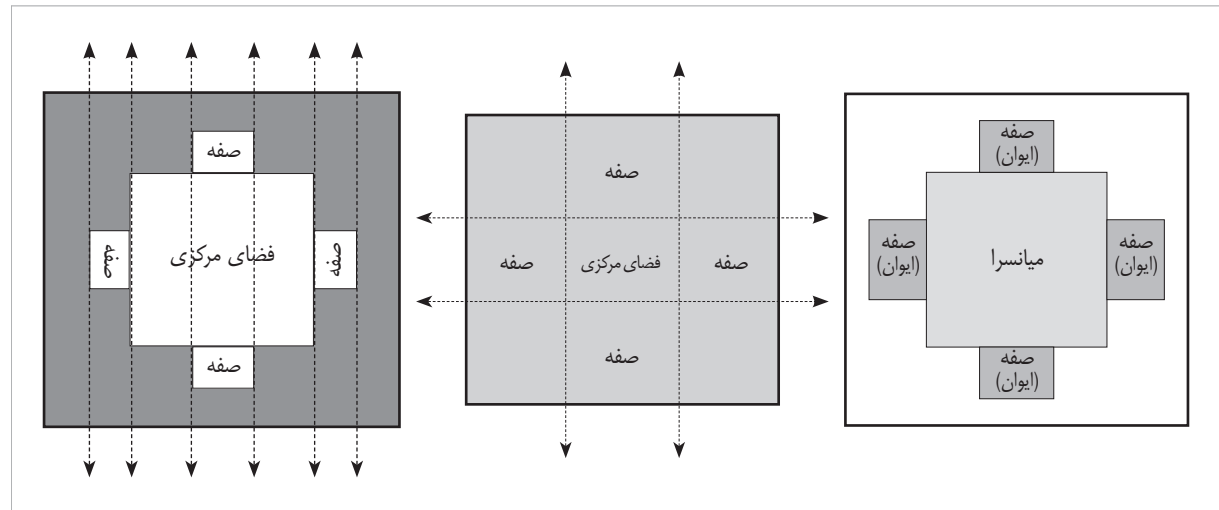
۱.۱.۳. چهارصفه

بر اساس لغت‌نامه دهخدا «صُفّه» به معنای ایوان مسقف است.^{۱۸} از منابع سده نهم نیز در کتاب تاریخ جدید یزد از «صفه» در معنای ایوان نام برده شده است.^{۱۹} مصداق «صفه» به این معنا را در مسجد جامع اصفهان با اطلاق نام صفه به ایوان‌ها می‌توان یافت.^{۲۰} همچنین در بنای بقعه پیربکران بر اساس کتیبه بنا، این نام به یک سکوی تونشسته اطلاق شده است (ت ۶).^{۲۱} همنشینی واژه «چهار» با واژه «صفه» به صورت «چهارصفه» در معنا و نمود معماری آن تغییراتی ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که علاوه بر اینکه صورت بنای «چهارصفه» در گونه‌های متفاوت معماری، همچون مدارس، مساجد، خانه‌ها و کوشک‌ها با یکدیگر متفاوت است، شکل این فضا در مناطق مختلف جغرافیا و دوره‌های مختلف زمانی نیز شکلی مشترک نبوده است. به بیان دیگر این نام به صورت‌های مختلفی از فضا اطلاق می‌شده است. دهخدا «چهارصفه» را نوعی بنا دانسته که چهار در دارد.^{۲۲} گلمبک و ویلبر معتقدند که این نوع از فضا یکی از اجزای معماری تیموری بوده و کاربردهای گوناگونی داشته



یک میان‌سرا انتظام یافته‌اند (ت ۷). مصادیق این دسته همه بناهایی هستند که با نام چهارایوانی شناخته شده‌اند. همچنین چهارصفه‌هایی با کارکرد مسکونی همچون چهارصفه‌های زواره و خانه‌های مظفری می‌توان در این دسته قرار داد. در طرح دسته دوم، چهار «صفه» یک گنبدخانه مرکزی را احاطه کرده‌اند. به بیانی دیگر چهار صفه رو به سوی فضایی سرپوشیده و بسته دارند. در این دسته‌بندی نوع دوم چهارصفه از دو الگو پیروی می‌کند. در الگوی اول شکل مربع به ۹ قسمت تقسیم می‌شود و مربع میانی فضای اصلی چهارصفه یا گنبدخانه آن را تشکیل می‌دهد^{۲۴} (تصویر ۷).

است. شکل کلی‌ای که آن‌ها برای چهارصفه‌های دوره تیموری ارائه داده‌اند عبارت است از یک فضای مربع یا مستطیل که با اتاق‌های متصل به هم احاطه شده؛ به طوری که در اطراف فضای مرکزی یک سلسله اتاق‌های شاه‌نشین به وجود آمده است، این اتاق‌ها اغلب دارای دو طبقه بوده‌اند و راه دسترسی آن‌ها دهلیزهایی بوده که در جزرها تعبیه می‌شده است. همچنین همین نام را برای اتاقی صلیبی‌شکل با چهار طاق نیز به کار برده‌اند، به طوری که بازوهای صلیب با طاق و تویزه مسقف شده باشد.^{۲۳} با بررسی پیشینه چهارصفه‌ها می‌توان این گونه معماری را در دو دسته با دو طرح کلی قرار داد: دسته اول گونه‌ای است که در آن چهار «صفه» پیرامون



| انواع | مثال | ویژگی‌ها |
|---------|------------------------------|---|
| نوع اول | مدرسه نصرتیه | طنبی در پشت صفه بزرگ |
| | خانه‌های دوره آل مظفر (میبد) | فضای بسته - پشت ایوان جنوبی - مجلل‌ترین بخش خانه (شاه‌نشین) - دسترسی از طریق حیاط و ایوان |
| نوع دوم | عمارت دارالفتح | طنبی واقع در باغچه - دارای اجزایی مانند بادگیر و حوض |
| | عمارت خواجه شهاب‌الدین | طنبی به همراه بادگیر و پیشگاه (ایوان) و حوض - واقع در باغچه |
| | عمارت شمس‌الدین خضرشاه | طنبی عالی به همراه بادگیر |
| | باغ ساباط | طنبی به همراه حوض و گنبد مقرنس و چهارصفه نیکو |
| | قلعه مبارکه | طنبی مزین به کاشی |

→ است که توسط شخص وی کتابت شده است. از جمله عقدنامه صلح جهان‌شاه و ابوسعید تیموری، منشور اوزون حسن، و نامه‌ای به زبان عربی از طرف اوزون حسن به یکی از سلاطین مصر. در کتاب دیار بکر به این اسناد اشاره شده است (ابوبکر طهرانی، دیار بکر ص ۱-۲۲).
 ۱۷. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۳۷.
 ۱۸. لغتنامه، ذیل «صفه».
 ۱۹. کاتب یزدی، همان، ص ۱۱۴.
 ۲۰. مقصود از این مطلب نام‌گذاری ایوان‌های مسجد جامع اصفهان به صورت صفه شاگرد، صفه استاد، صفه درویش، و صفه صاحب است.
 ۲۱. متن کتیبه به این صورت است: «هذه الصفه المبارکه الشیخ المشایخ المسلمین... ارباب المحققین محمد بن بکران قدس الله روح العزیزسنة اثني عشر و سبعمائه».
 ۲۲. لغتنامه، ذیل «چهارصفه».

ت ۷ (بالا). گونه‌های مختلف چهارصفه از راست: طرح چهارایوانی، چهارصفه نه‌بخشی، چهارصفه پنج‌بخشی؛ طرح و ترسیم: ن. اسدی، بر اساس اسدالله جودکی عزیززی و رسول موسوی حاجی و رضا مهرآفرین، ص ۷۸.
 جدول ۱ (پایین). دسته‌بندی انواع طنبی، بر اساس کتاب تاریخ جدید یزد؛ مأخذ: کاتب یزدی، صص ۸۷، ۸۸، ۱۰۱، ۱۲۵، و ۱۷۹.

۲۳. لیزا گلمبک و دونالد ویلبر، معماری تیموری در ایران و توران، ص ۱۱۷.
۲۴. برای اطلاعات بیشتر نک: اسدالله جوذکی عزیز و رسول موسوی حاجی و رضا مهرآفرین، «گونه‌شناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن». ۲۵. لغتنامه، ذیل «طنبی».
۲۶. همان، ذیل «بادغر».
۲۷. فرهنگ فارسی، ذیل «طنبی».
۲۸. ذکر مدرسه نصرتیه: «صفه عالی و گنبدی وسیع تمام از خشت پخته و درگاه عالی و در خلف صفه بزرگ طنبی در غایت بی نظیری ساخته...».
۲۹. احمد بن حسین کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، ص ۱۲۵.
۳۰. عیسی اسفنجاری، میبد شهری که هست، ص ۱۸۸.
۳۱. ذکر عمارت شاه یحیی: «و گلشن و سرای ترکان را دو طبقه کرد و طنبی عالی بر دست صفه بزرگ ساز داد».
۳۲. کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، ص ۸۰.
۳۳. ذکر عمارت دارالفتح: «و در باغچه طنبی و بادگیری بساخت و حوضی وسیع راست کرد...».
۳۴. ذکر عمارت خواجه شهاب‌الدین قاسم: «خواجه در محله نرسوباد خانه عالی و بادگیر و طنبی و پیشگاه و باغچه مشجر بساخت و حیاض وسیع و آب نرسوباد در آن جاری کرد».
۳۵. ذکر عمارت امیر شمس‌الدین خضرشاه: «و خلف امیر شمس‌الدین، امیر قطب‌الدین خضرشاه خانه و طنبی عالی بساخت و بادگیری رفیع برافراخت».

تعاریف و تصاویری که در منابع از چهارصفه‌ها عرضه شده در جزئیات متفاوت هستند؛ اما در همگی برای چهارصفه یک فضای مرکزی و تعدادی فضای جنبی در پیرامون ذکر شده که رو به فضای میانی دارند و بنابراین می‌توان چهارصفه را فضایی با این طرح کلی دانست. این طرح را می‌توان در کوشک‌ها، بینه حمام‌ها، و بخش‌هایی از مساجد دید. مطابق الگوی دوم، چهار صفه در کنار فضای میانی قرار می‌گیرند و پلانی پنج‌بخشی ایجاد می‌کنند (ت ۷). نمونه اخیر در مدرسه غیاثیه خرگرد قابل‌بازیبایی است.

۳. ۱. ۲. ۳. ۱. ۲. ۳. ۱. ۲. ۳. ۱. ۲. ۳.

چهارصفه‌ای که در وقف‌نامه سید واقف تعریف شده است همنشین فضایی دیگر به نام «طنبی» است. در لغتنامه طنبی به معنای ایوانی است که در ایوان کلان باشد و نام دیگر آن «بادغر» یا «بادگرد» گفته شده است.^{۲۵} «بادغر» در همین لغتنامه به جایی اطلاق شده که در معرض باد است و از هر طرف باد به آن می‌رسد.^{۲۶} معین نیز «طنبی» را اتاق بزرگ، تالار، و شاه‌نشین نامیده است.^{۲۷} هیچ‌یک از این تعاریف تصویر روشنی از طنبی به دست نمی‌دهد. اما در کتاب تاریخ جدید یزد (۱۳۶۲ق) واژه «طنبی» به معنای نوعی از فضا بارها تکرار شده است. در این منبع، می‌توان «طنبی» را به دو صورت یافت؛ نوعی از آن با صفه در ارتباط است و مطابق ذکر «مدرسه نصرتیه»^{۲۸}، در پشت صفه واقع شده است.^{۲۹} چنین ارتباطی بین صفه و طنبی در خانه‌های دوره آل مظفر میبد نیز به چشم می‌خورد. در این خانه‌ها طنبی فضای بسته‌ای است که پشت ایوان جنوبی قرار می‌گیرد و مفصل‌ترین و مجلل‌ترین فضای ساختمان خانه است که شاه‌نشین نیز تلقی می‌شود. ورود به طنبی، ابتدا از حیاط به فضای نیمه‌باز ایوان و سپس به طنبی از طریق ایوان امکان‌پذیر است.^{۳۰} در ذکر «عمارَت شاه یحیی»^{۳۱} نیز طنبی فضایی در کنار صفه معرفی شده است.^{۳۲}

نوع دیگری از طنبی بر اساس متن تاریخ جدید یزد و ذکر «عمارَت دارالفتح»^{۳۳} و ذکر «عمارَت خواجه شهاب‌الدین قاسم»^{۳۴} و در ذکر «عمارَت امیر شمس‌الدین خضر شاه»^{۳۵}، فضایی است که با باغچه یا باغ و اجزایی چون بادگیر و حوض در ارتباط است.^{۳۶} چنین فضایی به انضمام بادگیر، واژه «بادگرد» را، که پیش از این در توضیح طنبی به آن اشاره شد، یادآوری می‌کند و می‌توان تصور کرد که طنبی به این معنا فضایی برون‌گرا، تابستانی، و در معرض باد است که به صورت یک بنای منفرد در باغ یا باغچه‌ای قرار گرفته و حوض یا حوض‌هایی در مقابل دارد. در ذکر «باغ ساباط»^{۳۷} در تاریخ جدید یزد می‌توان همنشینی این گونه از طنبی را با چهارصفه نیز یافت. به نظر می‌رسد که در طنبی نوع دوم برخلاف نوع اول و آنچه از خانه‌های مظفری میبد گفته شد، طنبی تنها در ارتباط با یک صفه نیست؛ بلکه می‌تواند بنایی مستقل و دارای صفه‌هایی تلقی شود. این نکته از خلال ذکر باغ ساباط در یزد قابل دریافت است.^{۳۸} و در کوشک‌های دوره‌های بعدی، به‌ویژه کوشک‌های صفوی، به چشم می‌خورد.

۳. ۱. ۳. ۱. ۳. ۱. ۳. ۱. ۳. ۱. ۳.

در وقف‌نامه سید واقف نیز از «چهارصفه» و «طنبی» با هم و به صورت بنایی مجزا یاد شده است. در این وقف‌نامه تصویر و توصیفی از طرح بنای مزبور نیست؛ اما در وضع موجود بنایی در بین مجموعه ابنیه واقف هست که تا حد زیادی با تعاریف بیان‌شده از چهارصفه و طنبی همخوانی دارد. نگاهی به پلان و تصویر وضع موجود بنای موسوم به شربت‌خانه نشان می‌دهد که با بنایی کوشک‌مانند در میان باغ مواجه هستیم که چهار ایوان در چهار وجه آن به منزله چهار صفه به چشم می‌خورد. طرح بنا با تقسیم نه‌بخشی، که در تقسیم‌بندی چهارصفه‌ها گفته شد، مطابقت دارد. تفاوت جزئی این پلان با طرح‌های نه‌بخشی تعریف‌شده، در برون‌گرایی آن است؛ چراکه در الگوی نه‌بخشی، فضاهای جنبی متوجه فضای درونی بودند، درحالی‌که در این بنا

فضاها رو به سوی باغ پیرامونی دارند.

علت این تفاوت را می‌توان در همنشینی یا ادغام این «چهارصفه» با «طنبی»، که فضایی برون‌گرا و تابستانی است، یافت. به این ترتیب چهار ایوان پیرامونی باید همان «چهارصفه» و فضای میانی، که درهای آن در صفه‌ها باز می‌شود، «طنبی» باشد. قیاس ویژگی‌های فضای میانی شربت‌خانه، با توصیفاتی که از طنبی‌های یزد در دست است، صحت اطلاق نام طنبی به این فضا را تأیید می‌کند. اولین وجه تشابه شربت‌خانه با طنبی‌های یزد، ارتباط آن‌ها با باغ و یا باغچه است و بنای شربت‌خانه در حال حاضر در باغی قرار گرفته است. وضعیت آن در سده نهم هجری را نیز جمله «... باغچه ولد واقف اعنی امیر شرف‌الدین حسین و اختاخانه که تابع چهارصفه اوست...»^{۳۹} در وقف‌نامه روشن می‌کند. به این ترتیب که فضای اختاخانه — که در ادامه به آن پرداخته می‌شود — تابع چهارصفه امیر شرف‌الدین حسین است و این فضاها در باغچه‌ای قرار دارند.

دومین وجه تشابه میان شربت‌خانه و طنبی‌های توصیف‌شده در کتاب تاریخ جدید یزد مرتبط بودن این فضا با عنصر آب و حوض است. در حال حاضر در پیرامون بنای شربت‌خانه حوضی به چشم نمی‌خورد، اما اعظم‌واقفی اشاره کرده است که ضمن حفاری پیرامون شربت‌خانه به هنگام تعمیر، حوضی سنگی در مقابل یکی از ایوان‌ها کشف و مجدداً مدفون شده است.^{۴۰} تفاوت آشکار این دو در نبود بادگیر در این فضاست. همچنین بسته بودن فضای میانی شربت‌خانه با در معرض باد بودن طنبی در تناقض است. علت این تفاوت‌ها را می‌توان در تفاوت اقلیم یزد و نطنز یافت و بنای شربت‌خانه را گونه‌ای بومی‌شده از طنبی‌های یزد دانست.

از طرف دیگر، اطلاق نام طنبی به فضای میانی شربت‌خانه با مرور صفاتی، که در تاریخ جدید یزد برای طنبی به کار رفته است، تأیید می‌شود. طنبی در متن این کتاب و در مواردی همچون ذکر «عمارت دارالفتح» و ذکر «عمارت خواجه

شهاب‌الدین قاسم» و در ذکر «عمارت امیرشمس‌الدین خضر شاه» و ذکر ساختن «قلعه مبارکه»^{۴۱} با صفات عالی، منقش، نیکو، و مزین به کاشی همراه است و در طنبی «باغ ساباط»^{۴۲} به طور ویژه به گنبد مقرنس آن اشاره شده است. از این موارد روشن می‌شود که طنبی در یزد فضایی آراسته، نفیس و ارزشمند بوده است. دقت در فضای میانی شربت‌خانه نیز این نکته را روشن می‌کند که این فضا همچون طنبی‌های یزد واجد ارزش فراوانی است. تزیینات عالی گچی، مقرنس در گوشه‌سازی، و کاشی‌کاری در ازاره‌ها از یک سو و ذکر نام طنبی در وقف‌نامه به صورت مجزا و تأکید بر آن این موضوع را تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان گفت فضای میانی شربت‌خانه همان طنبی است که در سده نهم هجری جایگاه مهمی در فضاها سکونت داشته است.

فرض یکی بودن چهارصفه‌ها و طنبی با بنای شربت‌خانه با عبارتی در وقف‌نامه که موقعیت چهارصفه‌ها را بیان می‌کند نیز تقویت می‌شود:

«واقع بر یمین داخلین در صحن خانقاه مذکور»^{۴۳}.

اعظم‌واقفی منظور از این عبارت را قرارگیری چهارصفه در دومین حیاط خانقاه بیان کرده است.^{۴۴} در واقع خوانش نادرست واژه «داخلین» به صورت مثنی (داخلین) به این برداشت انجامیده است. درحالی که صورت صحیح خوانش این واژه، «داخلین»، یعنی صورت جمع واژه «داخل» بر وزن فاعل، اسم فاعل، و به معنی واردشونده است که نظیر آن را در همین وقف‌نامه به صورت «واردین»، «صادرین» و «مجاورین»^{۴۵} می‌توان یافت. درحقیقت واقف با این عبارت نشانی محل قرارگیری شربت‌خانه را، از دید افرادی که به صحن خانقاه وارد می‌شوند، به این صورت بیان کرده است که چهارصفه‌ها در «سمت راست واردشوندگان» قرار دارند. اگر خود را در موقعیت واردشوندگان قرار دهیم و در پشت سردر و پشت به آن بایستیم، شربت‌خانه را در سمت راست خود و کمی دورتر خواهیم یافت (ت ۸).

۳۶. نک: همان، ص ۸۶، ۸۷، و ۱۰۱.

۳۷. ذکر باغ ساباط: «نصرت‌الدین

شاه یحیی در جنب آن طنبی و حوض

خانه نیکو احداث کرد و دریاچه نیکو

بساخت و شاه‌نشین و گنبد مقرنس و

چهارصفه منقش راست کرد».

۳۸. کاتب یزدی، همان، ص ۱۷۹.

۳۹. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۳۸.

۴۰. همان، ص ۵۲.

۴۱. کاتب یزدی، همان، ص ۸۶.

۴۲. همان، ص ۱۷۹.

۴۳. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۳۸.

۴۴. همان، ص ۵۲.

۴۵. همان، ص ۱۴۲.

۳. ۱. ۴. چهارصفه و طنبی فوقانی و تحتانی

در متن وقفنامه با دو چهارصفه «فوقانی و تحتانی» مواجه هستیم که هر یک طنبی جداگانه‌ای دارند. دو چهارصفه فوقانی و تحتانی را می‌توان به دو صورت تصور کرد: اول دو چهارصفه در کنار هم به صورت مجزا و دوم دو چهارصفه روی یکدیگر به صورت بنایی دو طبقه.

فرض اول به این دلیل ایجاد می‌شود که اعظم‌واقفی در نوشته‌های خود به پی، بقایای بنا، و حوض‌هایی اشاره کرده است که مقارن شربت‌خانه و در شرق آن پیدا شده و نیز حوضی دیگر که مقابل خود بنای شربت‌خانه کشف و مدفون شده است.^{۴۶} پیدا شدن حوض و پی بنا، در شرایطی که در طرف دیگر حوض و شربت‌خانه هست، این گمان را ایجاد می‌کند که زوج بنایی متقارن در این محوطه وجود داشته و واقف از واژه‌های «فوقانی و تحتانی» به معنای بالادستی و پایین‌دستی استفاده کرده است. از طرف دیگر به نظر اعظم‌واقفی در گذشته قطعه

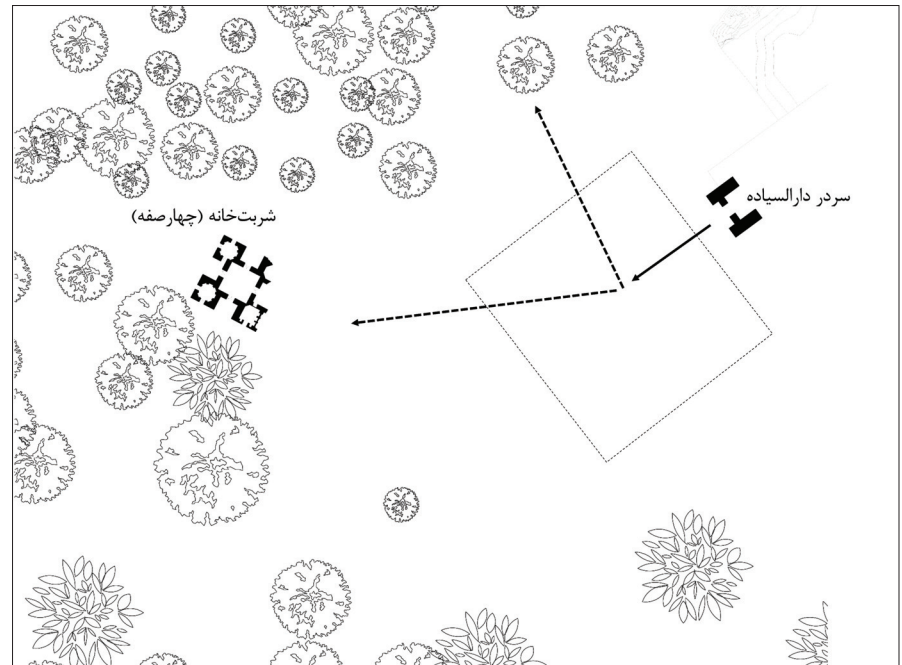
۴۶. اعظم‌واقفی، همان، ص ۶۴

ت ۸. موقعیت چهارصفه نسبت به سردر خانقاه؛ مأخذ: ن. اسدی بر اساس نقشه پایه شهرداری نطنز.

کتبیه منصوب در حمام بر ورودی شربت‌خانه نصب بوده است. در متن کتیبه نام «کمال‌الدین اسماعیل» نوشته شده و با توجه به اینکه واقف چهارصفه و طنبی تحتانی را به امیر شرف‌الدین حسین و چهارصفه و طنبی فوقانی را به امیر کمال‌الدین اسماعیل منتقل کرده است، شربت‌خانه می‌بایست همان چهارصفه فوقانی و آن دیگری که تخریب‌شده چهارصفه تحتانی باشد. مشاهده بقایای بنای مزبور در حال حاضر ممکن نیست؛ زیرا هم‌اکنون در محل احتمالی آن خانه و باغی ساخته شده است و تأیید یا رد این فرض به کاوش و پیگردی در محل نیاز دارد.

برای فرض دوم قرآنی در متن وقفنامه می‌توان یافت. اولین قرینه موجود استفاده کاتب از واژه «یمین» در عبارت «واقع بر یمین داخلین در صحن خانقاه مذکور» است که نشان می‌دهد کاتب با واژه‌های مبین جهات آشنایی داشته است. درحالی‌که او موقعیت قرارگیری چهارصفه‌ها را با عبارت «یمین داخلین» به‌خوبی روشن کرده است، بعید به نظر می‌رسد که در ذکر جهت دو چهارصفه چنین مبهم عمل کرده باشد. دومین قرینه عبارت «رفیع البناء و ایوان‌های فوقانی» است که درباره چهارصفه فوقانی به کار رفته است. صفت «فوقانی» به معنای بالایی برای «ایوان» در کنار ذکر واژه «رفیع» به معنای بلند نشان می‌دهد که معنای کلمه «فوقانی» در اینجا همان بالا بودن از حیث ارتفاع است. به قرینه صفت «فوقانی» برای ایوان‌ها، به معنی ایوان‌های بالایی، «چهارصفه فوقانی» را نیز می‌توان چهارصفه بالایی قلمداد کرد.

قرینه سوم در فضاهای وابسته به این چهارصفه‌ها قابل‌بازیابی است. نگاهی به متن وقفنامه نشان می‌دهد که واقف به همراه این چهارصفه‌ها، برخی فضاهای وابسته به آن‌ها را نیز نام برده و به فرزند و نوه خود واگذار کرده است. در این تقسیم‌بندی مطبخ دوطبقه متصل به چهارصفه تحتانی ضمیمه همین چهارصفه شده و به امیر شرف‌الدین تعلق گرفته است. چهارصفه فوقانی نیز همراه چهارصفه‌ای که مطبخ است و ممر

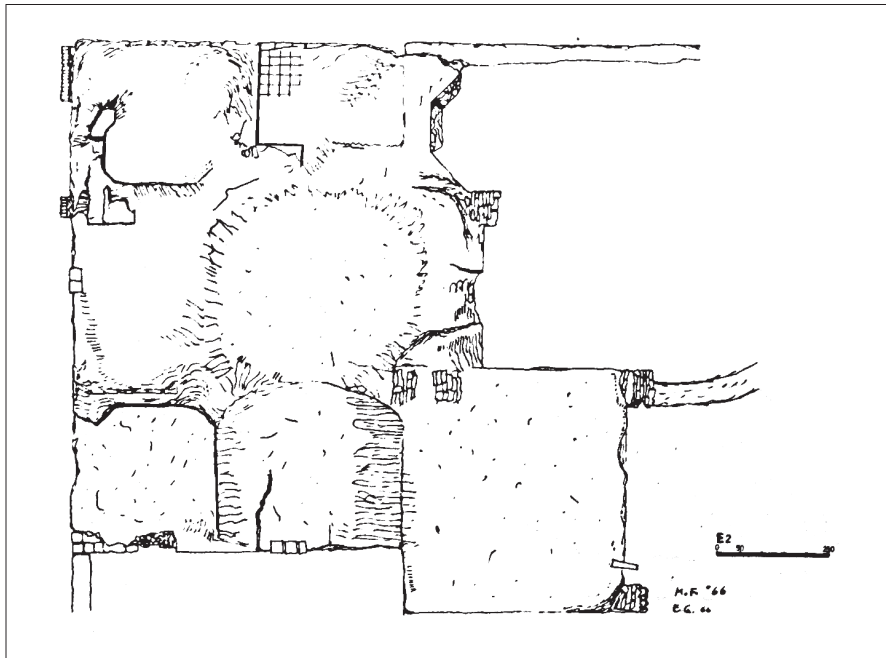


در بام شربت‌خانه فعلی پیدا شده و گروه مزبور بر این اساس بنا را دوطبقه دانسته است (ت ۱۱). پوشش سقف شربت‌خانه که به صورت رسمی تخت و خفته اجرا شده نیز نشان می‌دهد که معمار بنا بهترین و مناسب‌ترین شیوه پوشش را برای بهره‌گیری از طبقه بالای به کار گرفته است. به این ترتیب روشن می‌شود که بنای موسوم به شربت‌خانه در سده نهم هجری و هنگام نگارش وقف‌نامه به «چهارصفه و طنبی» مشهور بوده است. اما این سؤال ایجاد می‌شود که چرا امروز این بنا به شربت‌خانه شهرت یافته است؟

۴. عناوین منتسب به چهارصفه تیموری افوشته

تا اینجا کالبد چهارصفه و طنبی و مصداق آن در مجموعه افوشته روشن شد. بنا بر مواردی که گفته شد، فرضی که اعظم‌واقفی درباره یکی بودن «شربت‌خانه» و «چهارصفه» مطرح کرده

ت ۹. پلان بام شربت‌خانه؛ مأخذ:
ISMEO, *Monuments
historiques d'Afouchte de
Natanz et de Tajabad*, p.
11, 14.



و مدخل به «کمال‌الدین اسماعیل» منتقل شده است. نکته مورد سؤال در اینجا آن است که چرا، با وجود دو چهارصفه و دوطنبی، از ممر (راهرو) و مدخل (ورودی) تنها یک بار یاد شده است؟ به نظر می‌رسد اگر چهارصفه‌ها دو بنای مستقل از یکدیگر بودند، نیازی به تأکید بر انتقال بخش ورودی به کمال‌الدین اسماعیل (نوه واقف) نبود؛ زیرا هر چهارصفه ورودی‌های مجزایی داشت که، به همراه بنا، به فرزند و نوه واقف انتقال می‌یافت. اما تأکید بر این نکته نشانه آن است که بنا اگرچه دو بخش مجزا داشته، دارای یک ورودی بوده و واقف تعیین مالکیت این فضا را، که فضایی مشاع و مشترک است، در وقف‌نامه ضروری دانسته است. در اینجا قطعه کتیبه‌ای، که به اعتقاد اعظم‌واقفی بر ورودی شربت‌خانه نصب بوده است، به کار می‌آید. نام کمال‌الدین اسماعیل بر این کتیبه نشان می‌دهد که او مالکیت خود بر فضای ورودی را با نصب کتیبه‌ای علنی و به آن تأکید کرده است.

علاوه بر قرائن موجود در وقف‌نامه که مطابق بودن شربت‌خانه از آن‌ها استنتاج می‌شود، در کتاب تاریخ جدید یزد نمونه‌هایی از بناهای دارای طنبی می‌توان یافت که به صورت دو یا سه طبقه ساخته شده‌اند، از جمله در ذکر «عمارت شاه یحیی» و ذکر ساختن «قلعه مبارکه» که پیش از این به متن آن‌ها اشاره شد.

تا اینجا تلاش شد با اتکا به متن وقف‌نامه و با استمداد از کتاب تاریخ جدید یزد که حاوی وقایع هم‌زمان با احداث ابنیه افوشته است، صورت اصلی چهارصفه‌ها مشخص شود. اما هیئت ایژمئو، که در سال ۱۹۶۶م/۱۳۴۵ش و پیش از انتشار متن وقف‌نامه و مطالعات اعظم‌واقفی مجموعه ابنیه افوشته و بنای شربت‌خانه را بازدید و بررسی کرده‌اند، نیز معتقدند این بنا در گذشته دارای دو طبقه بوده است. هر چند عکس‌ها و ترسیم‌های این گروه نشان می‌دهد که در زمان بازدید ایشان نیز طبقه دوم مخروبه بوده (ت ۹ و ۱۰)، ولی در همان زمان ردی از تزیینات

است، فرضی صحیح است. کاتب به جای معرفی بنا با استمداد از کارکرد آن، از صورت و کالبد آن استفاده کرده است. بنابراین کارکرد بنا از راه مطالعه سند مشخص نمی‌شود. سؤال این است بنا با چه اعتباری و بر چه اساسی «شربت‌خانه» خوانده می‌شود؟ از چه زمانی و به چه دلیلی این بنا «شربت‌خانه» نام گرفته است؟ جست‌وجو دربارهٔ این بنا علاوه بر نام «شربت‌خانه»، نام‌های دیگری نیز برای آن مشخص می‌کند که در ادامه هر یک از آن‌ها جداگانه بررسی می‌شود تا روشن شود کارکرد معتبر برای این بنا چیست.

۱.۴. چهارصفه یا شربت‌خانه

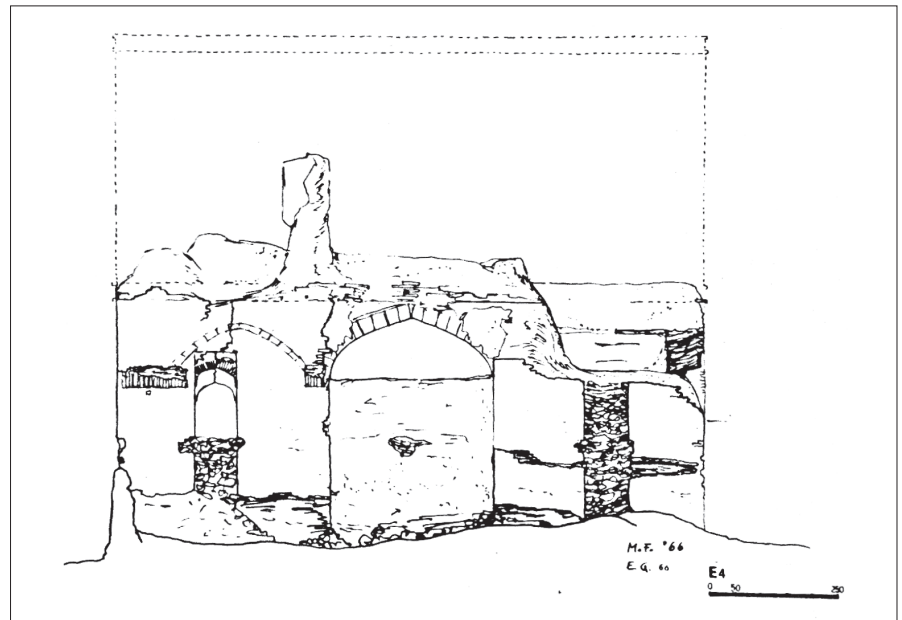
ذهنیت عامه بنای چهارصفه را محل توزیع شربت به افراد، ضمن دعوت آن‌ها به تشیع می‌داند. باور چنین روایتی که بدون منبع و سینه‌به‌سینه نقل شده است، مشکل است و تأیید یا رد آن به بررسی و تأمل در وقف‌نامه نیاز دارد. واقف در متن وقف‌نامه به تهیه و توزیع برخی خوراکی‌ها به این صورت سفارش کرده است:

۴۷. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۴۲.

۴۸. همان جا.

۴۹. همان، ص ۱۴۳.

ت ۱۰. نمای شربت‌خانه؛ مأخذ: ISMEO, ibid



طبخ که آش از برای صادرین و واردین و مجاورین ترتیب نماید آش هر صباح پنج من آرد و یک من چربی و از برای صادرین و واردین و مستحقین به قدر احتیاج چنان چه لایق باشد منوط به رأی متولی.^{۴۷}

و در جایی دیگر:

ایام و لیالی متبرکه مثل عیدین و لیلة‌القدر اعنی شب بیست و هفتم رمضان و شب برات و روز دوازدهم ربیع‌الاول و روز عاشورا پانصد دینار کپکی به اطعمه لایقه صرف نماید و در شب‌های ماه رمضان هر شب پنج من برنج سفید و یک من روغن گاو و پنج من دوشاب و دو من روغن کنجد از برای حلوا و پنج من نان.^{۴۸}

آش، برنج، دوشاب، حلوا، و نان همهٔ اغذیه‌ای است که واقف در وقف‌نامه به آن‌ها اشاره کرده است و حتی ظروف مناسب و لازم را برای پخت‌وپز و عرضهٔ آن‌ها به این صورت وقف کرده است: و همچنین واقف مشارالیه وقف فرمود بر خانقاه مذکور سه عدد دیگ مسین جهت طبخ آش که مقرر شده، یکی بزرگ به وزن دوازده من و یکی میانه به وزن هشت من و یکی کوچک به وزن چهار من و پانزده عدد طبق مسین به وزن هفت من و نیم و پانزده عدد طاس به وزن هفت من و نیم جهت اطعام مستحقین و مساکین که در آن خانقاه باشد.^{۴۹}

کارکرد «دیگ» که مشخص است. «طبق» نیز ظرفی شبیه سینی اما بزرگ‌تر از آن است و برای حمل غذا به کار می‌رود. «طاس» نیز پیاله‌ای است که غذا در آن صرف می‌شود. درحالی‌که واقف چنین مفصل و با جزئیات خوردنی‌ها و ظروف مناسب آن‌ها را تعیین کرده است، از قلم انداختن تهیهٔ شربت و توزیع آن کمی دور از ذهن است. به تعبیری ممکن نیست که فعلی با عنوان تهیهٔ و توزیع شربت در سدهٔ نهم مرسوم بوده و آن چنان حایز اهمیت باشد که بنایی برای آن پیش‌بینی و احداث شده باشد؛ اما در هنگام تنظیم وقف‌نامه از آن صرف‌نظر شده باشد. چنین موضوعی باور اختصاص داشتن فضای چهارصفه به

۵۰. اصل این سند در دست نیست و با استناد به نوشته‌های اعظم‌واقفی، درباره آن، مطالبی در این پژوهش آورده شده است (برای اطلاعات بیشتر نک: حسین اعظم‌واقفی، همان، ص ۷۱).
۵۱. اعظم‌واقفی، همان، ص ۱۶۳.
۵۲. همان جا.
۵۳. همان، ص ۱۳۸.
۵۴. عبدالله بن علی القاشانی، تاریخ الجایتو، ص ۲۵۳.
۵۵. ناصرالدین منشی کرمانی، سمط العلی للحضرة العلیا (تاریخ کرمان)، ص ۷۰.

ت ۱۱. بقایای تزیینات ازاره طبقه دوم شربت‌خانه؛ مأخذ: ISMEO, ibid, p. 9.



بنابراین واژه «اختاخانه» به نوعی با محل نگهداری اسب و ستوران هم‌معنی است. اشاره دیگری در کتاب تاریخ مبارک غازانی که هم‌نشینی برخی واژه‌ها در آن بیان شده است، به طور مشخص اعلام می‌کند که «اختاخانه» کاملاً از فضای مربوط به شراب و شربت متمایز است:

وجه مصالح شراب‌خانه و اختاچی‌خانه (اختاخانه) و شتران و استران و جامگی دختران و فراشان و مطبخیان و ساریبانان و خربندگان و دیگر خدم و حشم... برآورند.^{۵۶}

در اینجا به کار بردن «اختاخانه»، در کنار نام شتران و استران و سپس ساریبانان و خربندگان و حتی مطبخیان، به نوعی از خدماتی بودن این فضا خبر می‌دهد. اما بنای موسوم به شربت‌خانه در مجموعه سید واقف آن‌چنان پوشیده از تزیینات ویژه است که هرگز گمان تعلق آن به چهارپایان نمی‌رود. بنابراین ذکر نام «شربت‌خانه» در ذیل واژه «اختاخانه» نادرست است.

محتمل است که در حدود سال ۱۲۸۸ق، که این رونوشت تهیه شده است، بنای چهارصفه کارکرد شربت‌خانه داشته و کاتب رونوشت تلاش کرده است تا واژه‌های متناظر آن در وقف‌نامه

فضایی برای تهیه شربت در سده نهم را با تردید روبه‌رو می‌کند. مواردی که گفته شد، همه آن مطالبی است که وقف‌نامه برای وجود کارکردی مرتبط با شربت در سده نهم در افروخته در اختیار می‌گذارد. با این تفاسیر می‌توان دست‌کم به این نتیجه رسید که بنای «چهارصفه» در سده نهم و زمان حیات سیدحسن واقف «شربت‌خانه» نبوده است.

۲.۴. چهارصفه یا اختاخانه

در بین متون مربوط به مجموعه افروخته، اولین بار واژه «شربت‌خانه» در نسخه رونوشت وقف‌نامه نوشته شده است.^{۵۰} بر اساس نوشته اعظم‌واقفی، در این رونوشت که در سال ۱۲۸۸ق تهیه شده است، کاتب، محمدجمال فرزند محمدنصر کاشی^{۵۱}، ذیل واژه «اختاخانه»، با خط ریزتری کلمه «شربت‌خانه» را نوشته است.^{۵۲} بررسی خط متن اصلی و تحشیه آن نشان‌دهنده صحت نظر اعظم‌واقفی است. بنابراین تحشیه متن می‌بایست به همان سال ۱۲۸۸ق بازگردد. «اختاخانه» در متن وقف‌نامه در ضمن تعیین حدود خانقاه به این صورت آمده است: «... باغچه ولد واقف اعنی امیر شرف‌الدین حسین و اختاخانه که تابع چهارصفه اوست...»^{۵۳}.

برای واژه «اختاخانه» در دایرةالمعارف‌ها معنایی ذکر نشده است. اما رد این واژه در منابع مغول قابل‌پیگیری است. در این منابع واژه «اختا» را همراه پسوند «چی» و «جی» به صورت «اختاچی» و «اختاجی» می‌توان یافت. واژه‌هایی از این دست، معمولاً گویای سمتی در دربار مغول بوده‌اند. در تاریخ الجایتو (۷۱۸ق) از اختاچی بارها یاد شده و افراد بسیاری با این سمت معرفی شده‌اند. در انتهای کتاب نیز ذیل معنای برخی از واژه‌ها، برای «اختاچی» معنی میرآخور و طویله‌دار آمده است.^{۵۴}

در کتاب سمط العلی للحضرة العلیا (۷۱۵ق) نیز، که تاریخ قراختایان کرمان و تألیف ناصرالدین منشی کرمانی است، کلمه «اختا» حیوان خصی‌شده، به‌ویژه اسب، معنی شده است.^{۵۵}

بیاید. احتمال دیگر نیز این است که کاتب نسخه رونوشت معنای واژه اختاخانه را به اشتباه شربت‌خانه نوشته و از آن زمان این نام غلط بر چهارصفه‌های افوشته مانده است. به‌رحال نسخه رونوشت اولین محل بروز کلمه «شربت‌خانه» است.

۳.۴. چهارصفه یا خانقاه

در بین منابع، برخی بنای چهارصفه را همان بنای «خانقاه سیدحسن واقف» دانسته‌اند. در گزارشی که هیئت ایزمئو در سال ۱۹۶۶م/ ۱۳۴۵ش از مجموعه افوشته تهیه کرده و ترجمه‌ای مختصر از آن در کتاب *میراث فرهنگی نطنز* به چاپ رسیده^{۵۷}، در مورد کارکرد بنای شربت‌خانه چنین نوشته شده است:

این ساختمان که در سه کیلومتری نطنز در افوشته قرار دارد بنا به اطلاعاتی که در محل کسب شده، در حدود ۵۲۵ سال قبل در زمان سلطنت شاهرخ ساخته شده علاوه بر یک راه ورودی و عبادتگاه، در این خانقاه، (بنا به گفته ساکنین دهکده که بین آن‌ها روحانیونی که خود را بازماندگان سازنده این بنا می‌دانستند وجود داشتند) یک محل پذیرایی برای مسافرینی که شب از آنجا می‌گذشته‌اند وجود داشته است. با در نظر گرفتن زیبایی تزئین گچی و نقاشی‌هایی که هنوز باقی مانده باید در نظر داشت چنانچه این ساختمان حقیقتاً یک مهمان‌سرا بوده برای افراد ثروتمند در نظر گرفته شده بوده است.^{۵۸}

این سطور، ادعای نگارنده در مقدمه تحقیق مبنی بر نقش اهالی و باورهای ایشان را در شناخت و تصور دیگران را نشان می‌دهد. نویسنده گزارش اذعان داشته است که بر اساس گفته‌های اهالی درباره بنا اظهار نظر می‌کند. ویلبر و گلمبک نیز بر اساس گزارش ایزمئو، ذیل عنوان «خانقاه» شربت‌خانه را توصیف کرده‌اند:

این خانقاه بسیار کوچک که در منتهی الیه غرب روستا بیرون از آن واقع شده به حسن واقف، یکی از مقدسین محل، منسوب است و تاریخ آن فقط از روی زمینه‌های سبک‌شناسی تعیین می‌گردد. این بنا تقریباً مربع‌شکل است با یک گنبدخانه مرکزی

و چهار ایوان محوری و چهار اطاق در زوایا.^{۵۹}

بر این اساس گلمبک و ویلبر، همچون گروه ایزمئو، نامی از «شربت‌خانه» نبرده‌اند؛ اما هر دو این بنا را همان خانقاه سید واقف تلقی کرده‌اند. نامی که ایشان برای این بنا برگزیده‌اند به قرینه اشاراتی در وقف‌نامه نادرست است، از جمله اشاره‌ای که واقف حین نام‌گذاری بنا به نام «خانقاه» کرده است. خانه پس از وقف و طی تنظیم وقف‌نامه، «خانقاه» نامیده شده و پیش از آن شاهدی مبنی بر شهرت آن به «خانقاه» وجود ندارد. بنابراین، نام‌گذاری یادشده نشان می‌دهد که نام خانقاه تنها به بخش‌هایی از خانه اطلاق شده است که مشمول وقف شده باشند؛ اما همان‌طور که در وقف‌نامه تأکید شده است، واقف بخش‌هایی را از وقف مستثنی کرده و «چهارصفه» ای که در گزارش ایزمئو و نوشته‌های ویلبر و گلمبک «خانقاه» نام گرفته است، درست همان بخشی است که از وقف مستثنی و به فرزندان واقف منتقل شده است. نام امیرکمال‌الدین اسماعیل نیز در کتیبه منسوب به «چهارصفه» مؤید این موضوع است و بنابراین «چهارصفه» نمی‌تواند همان «خانقاه» باشد. از طرفی عملکردهای متعددی که واقف در وقف‌نامه برای خانقاه برشمرده است، نیازمند فضای مفصلی است و در بنایی با ابعاد چهارصفه نمی‌گنجد.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا نام مصطلح برای یک بنا از طریق تأمل در کالبد آن و منابع مکتوب به چالش کشیده شود. در این مسیر، ابتدا مقدمات برای ورود به بحث اصلی، با معرفی افوشته به منزله بستر شکل‌گیری بنا، معرفی بنا از حیث کالبد، و معرفی تنها سند موجود از بناهای افوشته فراهم شد. سپس آن بخش از وقف‌نامه که موضوع تحقیق حاضر است، تحت عنوان «مستثنیات وقف» بیان شد. روشن شد که در میان ساخته‌های سیدحسن واقف، بخش‌هایی وجود داشته است که مشمول سنت وقف نشده و به فرزندان او انتقال یافته است. این فضاها

۵۶. رشیدالدین فضل‌الله همدانی،

تاریخ مبارک غازانی، ص ۳۱۷.

۵۷. اعظم‌واقفی، همان، ص ۶۷.

58. ISMEO, *ibid*.

۵۹. گلمبک و ویلبر، همان، ص ۵۰۳.

پیش از این در برخی منابع نام‌هایی چون «اختاخانه» و «خانقاه» نیز به بنا نسبت داده شده است؛ اما با تأمل در این منابع و با استفاده از متن وقف‌نامه و متون دیگر، مشخص شد که به طور قاطعانه می‌توان این نام‌ها را برای معرفی بنای چهارصفه مردود دانست. اگرچه نام‌هایی که در این منابع برای معرفی چهارصفه انتخاب شده‌اند، نام‌های نادرستی هستند، نکته آنکه هیچ‌یک از واژه «شربت‌خانه» هم استفاده نکرده‌اند. به‌ویژه نبود چنین نامی در گزارش ایزمئو، که بر اساس متن گزارش متکی به نظرات اهالی است، بسیار قابل تأمل است و می‌تواند این تصور را ایجاد کند که یا همه اهالی افروخته در اطلاق نام «شربت‌خانه» به «چهارصفه» هم‌نظر نیستند و یا گروه ایزمئو چنین نامی را برای بنا معتبر ندانسته و در گزارش قید نکرده است. به‌هرروی، روشن است که مجهول بودن عملکردی که این بنا در سده نهم برای تحقق آن ساخته شده است، منشأ بروز چنین اختلافاتی است. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی که کارکرد یک بنا با سؤال و شبهه مواجه و در مقابل از کالبد و صورت معماری آن اطلاعات مناسب و مستندی در دست است، معرفی بنا با استمداد از صورت و کالبد بهتر از شناساندن آن با یک کاربری مجهول است.

این پژوهش تمرینی بود برای تبیین ضرورت به چالش کشیدن دانسته‌ها و لزوم ریشه‌یابی مفاهیم، اسامی، واژگان، و اصطلاحات و تشکیک در مفروضات؛ پیش از آنکه اساس پژوهش‌های مهم‌تری قرار گیرند. باید گفت که اگرچه در مواردی همچون موضوع این پژوهش، به دلیل کمبود منابع و گذر سده‌ها، نمی‌توان واقعی‌ترین و معتبرترین اطلاعات را درباره یک بنا یافت، دست‌کم می‌توان نشان داد که آنچه پذیرفته شده و در پژوهش‌ها و حتی در معرفی بنا به سایرین به کار می‌رود ممکن است نادرست و بی‌اساس باشد و لازمه دریافت چنین مطلبی نگرستن به شنیده‌ها و نوشته‌ها با دیدی شکاکانه و نقادانه است.

با استمداد از صورت معماری و شکل بنا با نام «چهارصفه و طنبی» در وقف‌نامه معرفی شده‌اند؛ بدون آنکه به کارکرد آن‌ها کمتر اشاره‌ای شود.

سپس تفسیر واژه‌های «چهارصفه» و «طنبی» بر اساس لغت‌نامه‌ها و متون سده نهم به ویژه کتاب تاریخ جدید یزد صورتی از شکل آن‌ها به مثابه یک فضای معماری به دست داد که مشابهت این فضاها را با بنای «شربت‌خانه» تأیید می‌کرد؛ اما فرض یکی بودن این دو، که قبلاً مطرح شده بود، با پی بردن به مطبّق بودن «شربت‌خانه» در گذشته و با دقت در تعیین موقعیت «چهارصفه»‌ها در وقف‌نامه تأیید شد و مشخص شد که این بنا در سده نهم، با هر کارکرد و رخدادی که در آن جریان داشته، با نام «چهارصفه» شناخته و شناسانده می‌شده است. تأیید منطبق بودن چهارصفه‌ها بر بنای شربت‌خانه، نکات دیگری را نیز درباره بنا در پی داشت. از جمله آنکه می‌توان زمان ساخت بنا را پیش از تنظیم وقف‌نامه یعنی قبل از سال ۸۵۷ق دانست و تاریخ موجود در کتیبه آن (۸۷۶ق) را تاریخ اتمام تزیینات بنا فرض کرد.

در ادامه تلاش شد تا با بررسی کارکردهایی که تا کنون برای بنای «چهارصفه» بیان شده است، کارکرد اصلی آن مشخص شود. به این منظور افعال مربوط به تهیه خوراکی‌ها در وقف‌نامه پیگیری و مشخص شد که واقف بر اغذیه‌ای که قرار بوده در مراسم مختلف تهیه و عرضه شود، با نام بردن آن‌ها و وقف ظروف مناسب تأکید کرده؛ بدون آنکه به فعل تهیه، توزیع، و صرف شربت اشاره‌ای کند. نتیجه آنکه دست‌کم در روزگار سید واقف، این بنا کارکردی مرتبط با شربت نداشته و پیشینه این نام که برای بنای چهارصفه مرسوم شده و به پژوهش‌ها نیز راه یافته است، به سده نهم نمی‌رسد. گرچه از این مطلب نمی‌توان این موضوع را استنتاج کرد که این بنا هرگز محلی برای تهیه و عرضه شربت نبوده است.

با ادامه جست‌وجو برای یافتن کارکرد بنا، مشخص شد که

منابع و مأخذ

- اسفنجاری، عیسی. *مید شهرى كه هست: مجموعه پژوهش‌های تاریخ معماری و شهرسازی، تهران: میراث فرهنگی، اداره كل امور فرهنگی، ۱۳۸۵.*
- اعظم‌واقفی، حسین. *میراث فرهنگی نطنز، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.*
- القاشانی، عبدالله بن علی. *تاریخ الجایتو، به اهتمام مهین همبلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.*
- پرونده ثبت مسجد جامع افوشته در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۱۳۶۴۵ و تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۸۴.
- پرونده ثبت حسینیه افوشته در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۱۴۱۸۸ و تاریخ ۹ بهمن ۱۳۸۴.
- پرونده ثبت حمام افوشته در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۹۴۵ و تاریخ ۸ مهر ۱۳۵۲.
- پرونده ثبت خانه سورگه افوشته در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۹۰۵۰ و تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۸۲.
- پرونده ثبت بقعه پیربکران در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۶۳۴ و تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۴۵.
- جودکی عزیزی، اسدالله و رسول موسوی حاجی و رضا مهرآفرین. «گونه‌شناسی الگوی چهارصفه در معماری ایرانی و سیر تحول آن»، در *پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۵ (زمستان ۱۳۹۳)، ص ۷۲-۹۴.*
- حسینی، آرزو. «شربت و شربت‌خانه در گذر زمان»، در *باغ نظر، ش ۲۵* (تابستان ۱۳۹۲)، ص ۴۹-۵۸.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی. *تاریخ مبارک غازانی: داستان غازان‌خان، به اهتمام کارل یان، تهران: پرشس، ۱۳۸۸.*
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. *اسناد معماری ایران (دفتر اول)، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸.*
- طهرانی، ابوبکر. *دیار بکرته، به تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومه، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶.*
- کاتب یزدی، احمد بن حسین. *تاریخ جدید یزد، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.*
- لیزا گلمبک و دونالد ویلبر. *معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.*
- ملازاده، کاظم. *دایرةالمعارف بناهای دوره اسلامی مدارس و بناهای مذهبی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۱.*
- منشی کرمانی، ناصرالدین. *سمط العلی للحضرة العلیا (تاریخ کرمان)، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.*
- نراقی، حسن. *آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۴۸.*
- نوابی، عبدالحسین. *رجال حبیب السیر، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.*
- ISMEO. *Monuments Historiques d' Afouchte, de Natanz et de Tadjabad, 1996.*